

سید موسی زرابادی قزوینی

ایشان یکی از سه رکن عمده مکتب تفکیک به شمار می رود ...



ولادت: 1294ق.

محل ولادت: قزوین

وفات: 1353ق.

محل دفن: قزوین

محل تحصیل: قزوین، تهران

اساتید: حضرات سید شهاب الدین شیرازی، میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ فضل الله نوری و ...

شاگردان: مجتبی قزوینی، هاشم قزوینی، علی اکبر الهیان، سید ابوالحسن حافظیان و ...

تالیفات: تقریرات فقه و اصول و ...

ایشان یکی از سه رکن عمده مکتب تفکیک به شمار می رود. وی جامع علوم منقول و معقول و از عابدان و زاهدان کم نظیر روزگار بود. از ابتدای نشو و نماى خویش مراقب شدیدی در انجام واجبات و پرهیز از محرومات داشت و گاه تمام مستحبات شرعی را انجام می داد. ایشان فرمود روزهایی که در قزوین امام جماعت بودم مدتی به سیر و سلوک پرداختم. پرده ها از پیش چشمم برداشته شد به طوری که دیوارها در برابرم حائل نبود. روزی به من گفته شد اگر بخواهی به مدارج بالاتر بررسی یک راه دارد و آن ترک اعمال ظاهری است! گفتم این ها با دلایل قطعی و شرعی بر ما ثابت شده است و من ترک نخواهم کرد گفته شد پس همه آنچه به شما داده شده سلب خواهد شد گفتم به جهنم! از همان وقت یک فرد عادی شدم. دانستم همین اعمال ظاهری ما با همه نقصی که دارد برای شیطان رنج و عذاب است. لذا با تمام قدرت به آن ها رو آوردم. از فضل پروردگار حالاتی به من دست داد که حالات پیشین در برابرش ناچیز بود.

آیت الله زرآبادی تبحر بسزایی در علوم غریبه داشت و کرامات زیادی از او نقل شده است. یکی از ارادتمندان ایشان به نام مشهدی علی اکبر نعل بر در مجالس سوگواری حضرت سید الشهدا علیه السلام شرکت کرده به عشق زیارت سالار شهیدان کفش ها را جفت می کرد و چون سن او بالا رفته بود و دیگر امیدی به زیارت عتبات عالیات نداشت، در حین جفت کردن کفش ها در دلش خطاب به امام حسین علیه السلام می گفت: یا حسین! چه شد؟ روزی به آیت الله زرآبادی گفت: آقا دعا بفرماید خداوند زیارت جد بزرگوارتان امام حسین علیه السلام را برایم قسمت کند. فردای آن روز بعد از نماز صبح ایشان به مشهدی علی اکبر گفت " مایل هستید به زیارت جدم مشرف شویم؟ آن گاه فرمود که چشمانت را ببند و وقتی مشهدی علی اکبر چشمانش را باز کرد خود را در صحن مطهر امام حسین علیه السلام دید. پس از زیارت کربلا و نجف دست او را گرفت و به همان مکان قبلی در قزوین باز گشتند. مشهدی علی اکبر می گفت: وقتی برگشتم مرحوم زرآبادی به من فرمود مشهدی اکبر! دیگر نگو یا حسین چه شد! 62 سال بعد از فوت ایشان هنگامی که می خواستند پیکر فرزندش را در کنار مزار او دفن کنند، روزنه ای به قبرش گشوده شد به طوری که جسد آن عالم ربانی تر و تازه پدیدار و کرامتی بر کرامات بی شمارش افزوده شد.